

تحلیل مضمون خوانش حجاب و عفاف در منظومه فکری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای^۱

زهرا آبیاری^۲

چکیده

پوشش و حجاب، به مانند پدیده‌ای اجتماعی، در چند دهه‌ی اخیر ایران، مناقشات و دگرگونی‌های گوناگونی را از سر گذرانده است. در دوران مدرن با افزایش ابزارهای جدید ارتباطی، دگرگونی ارزشی و هنجاری گسترده‌ای به تیح آن، در این گستره نمود یافت؛ به گونه‌ای که خوانش‌های جدیدی در برابر خوانش اسلامی بروز پیدا کرد؛ از این رو، تبیین خوانش اسلامی و نمایاندن الگوی زن تراز در پوشش و حجاب، با وجود چندگونگی در قرائت‌های گوناگون، بایستگی دارد. در این پژوهش با روش کیفی تحلیل مضمون، شبکه مضامین حجاب و عفاف در منظومه‌ی فکری آیت‌الله خامنه‌ای، واکاوی شد. در این واکاوی، سه مضمون فراگیر «شخصیت‌ساز مبتنی بر عفت»، «سرمایه نمادین سیاسی دینی» و «انقلابی‌گری پوشش دینی»، خوانش «سمبولیکی (نمادی- انقلابی)» را نشان می‌دهد. برابر این خوانش، حجاب از یک‌سو همچون مقوله‌ی دینی و نماد فرهنگی- اجتماعی، آشکارترین نشانه‌ی هویتی زن مسلمان در عرصه‌ی ملی و بین‌المللی است و از سوی دیگر، همچون یک رسانه‌ی ارتباطی، نقشی نمادین در عرصه‌ی کنش بین‌الذهانی ایفا می‌کند. همچنین در این خوانش، در کنار تأکید بر حفظ عفت و حجاب زنان در عرصه‌های اجتماعی، معناداری پوشش و سویه‌های سمبولیکی آن چون سمبل مقاومت و مبارزه سیاسی اجتماعی زنان ایرانی مورد بازنمایی قرار گرفت.

واژه‌های کلیدی: حجاب، عفاف، خوانش، آیت‌الله خامنه‌ای، تحلیل مضمون.

۱. تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۹ ؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۰/۲۰

۲. استادیار دانشگاه آزاد اسلامی نجف‌آباد، ایران؛ abyar.z114@gmail.com

۱. طرح مسئله

حجاب و پوشش در همه ادیان و فرهنگ‌ها پرسمانی درخور نگرش است؛ چه زمانی که همچون امری «طبیعی - زیستی» و محافظت از بدن، بدان نگریسته شود و چه زمانی که همچون مقوله‌ای «فرهنگی - ارزشی»، نشان از باورهای ذهنی و شناختاری، سنت‌های بومی و اعتقادی و همچنین جستاری نشانه شناختی و نمادین مورد توجه قرار گیرد. امروزه در گستره‌ی دگرگونی‌های جهانی و نزدیکی مرزهای فرهنگی در مناسبات اجتماعی، بحث حجاب و پوشش همچون نماد فرهنگی، اجتماعی زنان مسلمان، جایگاه ویژه‌ای در فرآیند مطالعات جامعه‌شناختی دوران پست مدرن دارد؛ به گونه‌ای که مناقشات بسیاری درباره‌ی قلمرو معناشناختی حجاب، فرآیند تغییر و دگرگونی پوشش و حجاب و پیوند آن با مؤلفه‌های اجتماعی وجود دارد. «حجاب» از نظر لغوی در معنای مانع، پرده (ابن فارس، ۱۳۹۹، ج ۶: ۱۳۱) و ستر و پوشش (ابن منظور، ۱۴۰۵، ج ۱: ۲۹۸)، چادر و روبند و روپوش (معین، ۱۳۷۱، ج ۱: ۱۳۴۰) و آنچه میان قلب و سایر اعضا فاصله افکنده (جوهری، ۱۹۸۷، ج ۱: ۱۰۷) و همچنین همه معنای بالا در مورد حجاب به کار رفته است. با توجه به معنای لغوی حجاب، تنها آن پوششی که با پشت پرده واقع شدن، ایجاد می‌شود، حجاب نام دارد (مطهری، ۱۳۸۸، ج ۱۹: ۴۳۰) مترادف دانستن پوشش با واژه‌ی حجاب، از پیچیدگی‌های این چالش است، برخی بر این باورند که در زبان عربی هیچ معادل واحدی چون «پوشش» وجود ندارد؛ بنابراین تمایز نهادن میان این دو واژه برجسته است؛ زیرا حجاب دارای بار معنایی اسلامی و دینی است (Ruby, 2006: p57) «عفاف» نیز از جمله واژه‌های وابسته و نزدیک به معنای حجاب است که به معنای حالتی درونی و نفسانی که بازدارنده‌ی چیرگی شهوت است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۵۳۷) و همچنین در معنای خویشتن‌داری از امور غیر حلال و زیبا (ابن منظور، ۱۴۰۵، ج ۹: ۳۵۰) به کار رفته است؛ بنابراین عفاف و پاکدامنی حالتی نفسانی است؛ یعنی رام بودن قوه شهوانی تحت حکومت عقل و ایمان، تحت تأثیر قوه شهوانی نبودن است (مطهری، ۱۳۷۳: ۱۵۲) که اختصاص به مکان و زمان خاص ندارد؛ اما حجاب یک حکم و تکلیف شرعی و دینی است که ریشه و خاستگاه آن، فضائل اخلاقی چون عفت است.

امروزه در هزاره سوم و فرآیند جهانی شدن و پسامدرن، حجاب و پوشش زن مسلمان، نه تنها گویای دروندادهایی از زنان ایران است؛ بلکه خود دارای ارزش بالای داده‌هاست (روشن‌ضمیر، ۱۳۸۵: ۱۴۰) و کارزاری را سبب شده که بر دشواری‌های پسامدرنی چون نمادشناسی، سبک زندگی، مصرف‌گرایی و پرسمان‌های قدرت و... مبتنا دارد (واتسون، ۱۳۸۲: ۳۱۰) هرچند انتظار می‌رود در فرآیند جهانی شدن، ویژگی‌های تمایزات فرهنگی کم‌رنگ شود؛ ولی احیای مؤلفه‌های دینی و سنت‌های ملی چون حجاب اسلامی، در بسیاری از جوامع وجود دارد.

در رویارویی با سیاست جهانی سازی، انقلاب اسلامی ایران، با تبیین نسبت میان دین و سیاست و درهم تنیدگی آن درباره‌ی مسائل زنان (امام خمینی، ۱۲۷۹-۱۳۶۸، ج ۱۸: ۴۰۲-۴۰۳) و داعیه‌ی



جهان‌شمولی مؤلفه‌های تمدنی خود، چشم‌اندازی گسترده در فضای بین‌الذلهانی ترسیم می‌کند (۱۳۹۲/۲/۹) عدالت اجتماعی - اقتصادی، برابری قوانین و بازسازی حقوقی مسائل زنان، از جمله سیاست فرهنگی پوشش و حجاب زنان و یکی از سنجه‌های تمدنی کارآمدی نظام دینی است؛ بدین معنا که امروزه حجاب اسلامی، حلول و بازنمایی ویژه‌ای را نشان می‌دهد و ابزار پیوند نیرومندی را به نمایش می‌گذارد و به همان سان بستر حاصلخیزی از معانی را همچون نماد دستاورد جهانی می‌شناساند (روشن‌ضمیر، ۱۳۸۵: ۱۴۷). در چنین شرایطی، واکاوی سخنان اندیشمندان و صاحب‌نظران این عرصه، گفتمان‌های متشکست و گاه متضاد و گوناگونی از حجاب و پوشش را نشان می‌دهد؛ از این‌رو محقق در این مقاله درصدد پاسخ به این پرسش است که خوانش مقام معظم رهبری درباره حجاب و عفاف چیست؟ از آنجا که بررسی پدیده‌ی عفاف و حجاب به‌صورت کیفی و مستقل در اندیشه معظم له، مورد واکاوی قرار نگرفته است؛ از این‌رو، با بهره‌گیری از روش تحلیل مضمون، بحث حجاب و عفاف را در منظومه‌ی فکری آیت‌الله خامنه‌ای مورد واکاوی و کاوش قرار خواهد گرفت؛ از این‌رو در ابتدا افزون بر اشاره به چالش حجاب در عصر کنونی، برجسته‌ترین مضامین استخراجی از بیانات معظم له، واکاوی و بررسی خواهد شد.

۲. چالش حجاب در جهان اسلام و ایران معاصر

پوشش و لباس شأنی از شئون انسان است و در هر تمدن وابستگی مستقیمی با معنای انسان و تعریف انسان در آن تمدن دارد؛ بدین معنی که لباس هر انسان پرچم کشور وجود اوست، پرچمی است که او بر سر در خانه‌ی وجود خود نصب کرده است و با آن به آگاهی می‌رساند که از کدام فرهنگ تبعیت می‌کند. همچنان که هر ملیت با وفاداری و احترام به پرچم خود، باور خود را به هویت ملی و سیاسی خود ابراز می‌کند، هر انسان نیز، مادام که به یک سلسله ارزش‌ها و بینش‌ها، باورمند و دل‌بسته باشد، لباس متناسب با آن ارزش‌ها و بینش‌ها را از تن به در نخواهد کرد؛ بنابراین لباس نه تنها تحت تأثیر فرهنگ جامعه است که معرف شخصیت تک‌تک افراد نیز هست و البته میان شخصیت افراد و فرهنگ عمومی جامعه نیز پیوند نیرومندی وجود دارد (حداد عادل، ۱۳۷۲: ۴۴-۴۰).

در جهان اسلام، از قرن نوزدهم بحث بر سر فلسفه حجاب در میان زنان مسلمان، حدود و اندازه‌ی آن، فرم و اشکال ویژه‌ی پوشیدن لباس و انتخاب یا واداشتن آن، از جستارهای برجسته میان سنت‌گرایان و هواداران مدرنیته در جهان اسلام شد. کشمکش بر پرمسانی چون حجاب در جوامع اسلامی به باور برخی از نویسندگان، به راستی درگیری میان گروه‌های اسلام‌گرا و فمینیست‌هایی است که آنها، حجاب را نمی‌پذیرند؛ زیرا «برای اسلام‌گرایان، حجاب یک اجبار مذهبی است که جایگاه زنان را در جامعه می‌شناساند و از آنها برای اینکه ابزاری برای سکس نباشد، حمایت می‌کند؛ اما برای فمینیست‌ها، حجاب سمبل سرکوبی و یک ناگزیری پدرسالارانه است که حق و حقوق بنیادین زنان مسلمان را برای



مه‌ار بدن خود و انتخاب آنچه می‌پوشند، نادیده می‌گیرد» (Mir-hossini, 2011: 191).

در این میان برخی از اندیشمندان اسلامی باور دارند تا زمانی که رضاخان مایه‌ی کشف حجاب، آن را به پرسمانی برجسته و درخور نگرش در صدر پرسش‌های جامعه ایران تبدیل کرد، بحث از حجاب و کنار گذاشتن آن به این‌گونه مطرح نبوده: «نخستین بار این اندیشه از بیرون آمد. افرادی نیز از آن جانب‌داری کردند، شیفتگان غرب و اندیشه‌های مدرن که یا در غرب تحصیل کرده بودند و یا در داخل، در مدارس نوین درس خوانده و متأثر از آن اندیشه‌ها بودند» (جعفریان، ۱۳۸۰: ۶۵ تا ۷۰). این امر بدین معنی است که در ابتدا بحث از حجاب، به‌صورت یک امر فقهی و تکلیف شرعی مطرح بوده و این امر قابل‌انکار نیست؛ چون امری مسلم و مورد پذیرش همه‌ی مسلمانان است؛ اما در دوران جدید، بحث علمی از حجاب در ایران (و نیز ترکیه) بیش از هر کشور دیگری مطرح بوده و هست. انگیزه‌ی آن نیز این بود که از آغاز ترک حجاب به‌صورت یک دستور حکومتی درآمد و همین امر سبب شده تا این پرسمان نه‌تنها برای دین؛ بلکه برای سیاست هم به‌صورت یک پرسمان درآمد (جعفریان، ۱۳۸۲: ۱۲)؛ بنابراین می‌توان گفت تبدیل شدن حجاب به نماد زن مسلمان انقلابی، به‌ویژه در کشورهای لائیک و هم‌چنین وجود انگیزه‌های سیاسی احتمالی، در بدپوشی شماری از زنان جامعه ایران، به حجاب بعدی سیاسی داده است که درگذشته چنین نبود. دخالت دولت‌های غربی در پرسمان حجاب، ممنوعیت حجاب به دست حکومت‌های مسلمانی همچون افغانستان، ترکیه و ایران در چند دهه‌ی پیش و ورود کشورهایی چون تونس به کشورهای اسلامی منع‌کننده‌ی حجاب، در دهه اخیر نیز نشانی گویا از حساسیت گسترده‌ی سیاست به پرسمان حجاب است (حق‌شناس، ۱۳۸۷: ۲۳).

در ایران، سازه‌هایی چند در گسترش پدیده‌ی کشف حجاب و به دنبال آن سیاسی شدن آن دخالت داشت. نشر افکار اروپایی از راه نوشته‌های انتقادی غربیان و یا شیفتگی ایرانیان نسبت به افکار آنان، افکار و تجربه‌های کشورهای عربی متأثر از اروپائیان، هم‌چنین افکار و تجربه‌های برگرفته از کشورهای همسایه مانند ترکیه که در پدیده کشف حجاب در سال ۱۳۱۴ نقش بزرگی ایفا کرد. این امور سبب می‌شد تا بحث از حجاب در داخل کشور، هم‌چون پرسمانی برجسته و حیاتی زنان مطرح باشد. در جهان اسلام اولین گام‌ها به دست قاسم امین برداشته شد. قاسم امین از جمله پیشروانی بود که در سال ۱۸۹۸ با نوشتن کتاب «تحریر» گامی بلند در این عرصه برداشت. وی از کتابش به‌صورت گسترده جایگاه حقارت‌آمیز زنان مصری را بازگو کرد و بر تعلیم و تربیت آنان تأکید داشت. نگارش این کتاب و کتاب‌های پیشین وی درباره‌ی حجاب، در ابتدای قرن بیستم در جهان غرب کارایی عمیق و گسترده‌ای به‌جای گذاشت و افزون بر برانگیختن بحث و گفتگوهای بسیار پیرامون آن سبب تألیف آثاری در این زمینه شد. وی بر این باور بود که: حجاب به این معنا که زن در خانه بماند و بیرون نیاید، مانع رشد و ترقی آنان است؛ بنابراین باید اجازه داد تا زن از خانه درآمد و با مردان آمیزش داشته باشد؛ چراکه زنی که اختلاط با مردان داشته باشد، بیش از زنی که در خانه است، از افکار بد به دور است. به خودی خود زنی که در این شرایط عقیقه بماند،

ترجیح بر زنی دارد که در خانه مانده و به ناگزیر عفت خویش را حفظ کرده است (قاسم امین، بین‌الادب و القاضیه، ص ۴۵-۵۰-۸۹-۹۴، به نقل از جعفریان، ۱۳۸۰: ۶۵ تا ۷۰).

دو کتاب پرآوازه‌ی امین با عنوان «زن و آزادی» و «زن امروز» در دوران حکومت رضاخان، با تلاش‌های مترجم آن، «احمد مهذب» به چاپ رسید. ترجمه‌ی آثار قاسم امین در ایران، ضمن اثرگذاری بر روشنفکران داخلی، نکوهش‌های هواداران حجاب اسلامی را نیز در پی داشت. احمد بر این باور است که آثار امین، در بردارنده پیشنهادهایی برای زنان است همچون یک رفرم یا دگرگونی سمبولیک براندازی حجاب. او بر بایستگی یک ابتکار و نوآوری جامع فرهنگی و سنتی در کشور تأکید می‌کند برای فراهم کردن دگرگونی دلخواه، منسوخ کردن حجاب، بیشتر بایستگی دارد (Ahmad, 1992: 143). با وجود چنین فضایی در ایران پیش از انقلاب، در سال‌های واپسین پیروزی انقلاب ایران، نقش حجاب زنان، در خور نگرش است. به تعبیر برخی صاحب‌نظران، یکی از زمینه‌های اصلی شورش بر ضد پهلوی در همین امر نهفته بود و افزون بر آن در ماه‌های آغاز انقلاب هم حجاب همچون یک نماد اساسی، برای مخالفان شاه در عرصه‌ی خیابان‌ها مطرح شد. انتشار کتاب «مسئله حجاب» استاد مطهری یکی از قدم‌های اساسی برای آغاز انقلاب حجاب بود. چاپ پیاپی کتاب استاد مطهری طی یک دهه پیش از انقلاب، نشان از کارایی این اثر در این دگرگونی مذهبی می‌دهد (جعفریان، ۱۳۸۳: ۶۵).

بنابراین سیاسی شدن حجاب در چند دهه‌ی اخیر در کشورهای مسلمان، از یک‌سو حجاب را به نماد مقاومت در برابر دولت‌های جائر تبدیل کرد و از سوی دیگر مخالفت‌هایی بسیاری را برانگیخت. در ایران بعد از سقوط دولت پهلوی و در جریان انقلاب اسلامی که انقلاب حجاب‌ها نیز لقب گرفته با بازگشت به مؤلفه‌های اسلامی، بار دیگر حجاب مورد توجه دولت قرار گرفت و به صدر پرسمان کشور تبدیل شد. این امر نه تنها در ایران که در کشورهای مسلمان و حتی در اروپا و آمریکا نیز مشهود بود.

بحران‌زا شدن حجاب دختران جوان کشورهای اروپایی همچون فرانسه، حکایت از این داشت که با وجود فضای فکری غرب، زنان مسلمان همچنان بر حجاب خود پافشاری دارند و غرب، نه تنها نتوانسته است این جستار را از دایره‌ی فرهنگ دینی مسلمانان حذف کند؛ بلکه در برابر آن نیز دچار چالش شده است. با رخداد انقلاب اسلامی و برجستگی نقش نمادهای فرهنگی، به ویژه نمادهای اسلامی، بازسازی فرهنگی جامعه به یکی از اولویت‌های دولت‌های پس از انقلاب تبدیل شد. گفتمان سازی حجاب و پوشش با تکیه بر جهان‌بینی اسلامی، لفظون بر توجه به چالش حجاب و تحولات جهانی بایستگی امروز جامعه اسلامی است.

۳. روش پژوهش

امروزه با رشد شتابان پژوهش‌های کیفی در سال‌های اخیر، گامی مثبت در راستای درک عمیق‌تر از پدیده‌های اجتماعی و پویایی برداشته شده است. کسب برآیندهای مفیدتر در پژوهش‌های کیفی با



بهره‌گیری از ابزارهای تحلیلی، ثبت نظام‌مند و تبیین روش‌های تحلیلی امری امکان‌پذیر است. یکی از شیوه‌های تحلیل داده‌های کیفی که دارای ارزش بالایی است، تحلیل مضمون (Thematic Analysis) است. تحلیل مضمون، هرچند خود یک روش مستقل تحلیلی است؛ اما می‌تواند در سایر روش‌های تحلیل کیفی چون تحلیل روایت، تحلیل نشانه‌شناختی، نظریه زمینه‌ای و... نیز مورد بهره‌برداری قرار گیرد (محمدپور، ۱۳۹۲، ج ۲: ۶۶). این روش به محقق اجازه می‌دهد که تم‌ها یا مضامین آشکار و پنهان متن را جستجو کرده، سپس آن را تفسیر کند. نظر به اینکه پدیده حجاب، امری اجتماعی است؛ از این‌رو برای درک بهتر این پدیده، محقق از روش تحلیل مضمون بهره برده است.

روش گردآوری اطلاعات بدین‌صورت بود که با مراجعه به سایت مقام معظم رهبری، حضرت امام خامنه‌ای، داده‌های متنی، اعم از سخنرانی‌های مکتوب و جلسات پرسش و پاسخ با جوانان گردآوری شده است. این داده‌های متنی، متناسب با واژه‌های وابسته چون حجاب، عفاف، پوشش و لباس مورد جستجو قرار گرفت. در پژوهش نخستین، مطالب وابسته دسته‌بندی شد. از آنجا که در واکاوی داده‌ها، در تحلیل مضمون سه مرحله کلان: تجزیه و توصیف متن، تشریح و تفسیر متن، ادغام و یکپارچه کردن مجدد (خنیفر، ۱۳۹۶، ج ۱: ۵۹) وجود دارد؛ از این‌رو تلاش شد با همین روش، کار تحلیل داده‌ها صورت گیرد. در این مرحله، بازخوانی پیاپی داده‌ها متن به‌صورت فعال؛ یعنی جست‌وجو معانی و الگوها صورت گرفت. قبل از آغاز به کار کدگذاری، یادداشت‌هایی که جرعه‌های ذهنی شمرده می‌شوند، در کنار متن‌های وابسته نوشته شد. در کدگذاری نخستین، عبارات، بند و جملاتی که معنادار بودند (ایمان، ۱۳۹۴: ۸۰) انتخاب شدند. در جدول شماره ۱ نمونه استخراج واحدهای معنادار آورده شده است:

جدول شماره ۱: نمونه استخراج واحدهای معنادار

| ردیف | واحدهای معنادار | مضمون پایه |
|------|--|--|
| ۱ | من می‌خواهم مسئله‌ی حجاب را یادآوری کنم و اشاره کنم: پول‌های زیادی خرج می‌کنند، فعالیت زیادی می‌کنند، صدها رسانه را- از انواع و اقسام رسانه‌ها- به کار می‌گیرند برای اینکه بتوانند روی این نقطه‌ی حساس، [یعنی] نقطه‌ی هویت مستقل فرهنگی زن مسلمان، اثرگذاری کنند. ۱۳۹۶/۱۲/۱۷ | حجاب: نقطه‌ی حساس / نقطه‌ی هویت مستقل فرهنگی زن مسلمان |
| ۲ | امام در برابر یک منکر واضحی که به دست پهلوی و دنباله‌های پهلوی در کشور پدید آمده بود، مانند کوه ایستاد، گفت باید حجاب وجود داشته باشد. ۱۳۹۶/۱۲/۱۷ | تأکید بر اصل حجاب |
| ۳ | آنچه بنده را حساس می‌کند، این است که ناگهان شما می‌بینید از دهان یک گروهی از افرادی که جزو خواص محسوب می‌شوند، مسئله‌ی «حجاب اجباری» مطرح می‌شود؛ معنایش این است که یک عده‌ای نادانسته- حالا من می‌گویم نادانسته؛ ان‌شاءالله نادانسته است- همان خطی را دنبال می‌کنند که دشمن با آن همه خرج نتوانسته است آن خط را در کشور به نتیجه برساند؛ همان خط را دارند دنبال می‌کنند. ۱۳۹۶/۱۲/۱۷ | حجاب اجباری: نقشه دشمن |

| ردیف | واحد‌های معنادار | مضمون پایه |
|------|--|---|
| ۴ | این هوچیگری‌های آنها در مورد زن است؛ آن وقت درباره‌ی زن بحث می‌کنند: شما حجاب را اجباری کردید. خود آنها بی‌حجابی را اجباری می‌کنند، دختر دانشجو را تو دانشگاه راه نمی‌دهند، به خاطر اینکه روسری دارد، آن وقت به ما می‌گویند چرا شما حجاب را اجباری کردید! این در جهت کرامت زن است، آن در جهت پرده‌داری و بی‌احترامی به زن است. ۱۳۸۶/۱۰/۱۳ | بی‌حجابی اجباری بی‌احترامی به زن در غرب |
| ۵ | دیدید در وصیت‌نامه‌های شهدا چقدر درباره‌ی حجاب توصیه شده؛ خب، حجاب یک حکم دینی است؛ این آرمان شهیدان فراموش نشود. ۱۳۹۵/۰۷/۰۵ | حجاب: توصیه شده شهدا/ حجاب: حکم دینی |
| ۶ | در یک چنین دنیایی یک خانمی با چادر یا با یک حجاب کامل اسلامی می‌رود روی آن سکو می‌ایستد و جایزه‌ی قهرمانی‌اش را می‌گیرد، این خیلی مهم است، این از آن پرچم که می‌رود بالا مهم‌تر است. این نشان‌دهنده‌ی روحیه‌ی قوی ایرانی مسلمان است. این نشان می‌دهد که در برابر موج توهّمات و احساسات توهم‌آمیز، این [فرد] شکست نمی‌خورد و مغلوب نمی‌شود. هویت یک ملت و استحکام عنصر و فلز یک ملت را که فلز محکم و مقاومی دارد، این‌جوری می‌شود فهمید. این‌ها خیلی باارزش است. ۱۳۹۴/۱۰/۲۱ | حجاب: هویت یک ملت و استحکام عنصر یک ملت |
| ۷ | در یک چنین دنیایی یک خانمی با چادر یا با یک حجاب کامل اسلامی می‌رود روی آن سکو می‌ایستد و جایزه‌ی قهرمانی‌اش را می‌گیرد؛ این خیلی مهم است، این از آن پرچم که می‌رود بالا مهم‌تر است. این نشان‌دهنده‌ی روحیه‌ی قوی ایرانی مسلمان است. این نشان می‌دهد که در برابر موج توهّمات و احساسات توهم‌آمیز، این [فرد] شکست نمی‌خورد و مغلوب نمی‌شود. هویت یک ملت و استحکام عنصر و فلز یک ملت را که فلز محکم و مقاومی دارد، این‌جوری می‌شود فهمید. این‌ها خیلی باارزش است. ۱۳۹۴/۱۰/۲۱ | حجاب: نشان‌دهنده‌ی روحیه‌ی قوی ایرانی مسلمان است |
| ۸ | به بانوان ورزشکاری که نشانه‌ی افتخارآمیز پوشش زن ایرانی را به رخ همگان کشیدند، به بانوی شجاعی که باحجاب کامل در پیشانی کاروان درخشید و به مربیان و پیشکسوتان ورزش کشور، خوشامد می‌گوییم و از همه‌ی شما سپاسگزاری می‌کنم. ۱۳۹۵/۰۶/۰۲ | حجاب: نشانه افتخارآمیز زن ایرانی |
| ۹ | افتخار تنها این نیست که سرود ملی‌مان را بخوانند. البته این افتخار است، خوب است و چیز برجسته‌ای است؛ اما بالاتر از این افتخار، این است... در یک چنین دنیایی یک خانمی با چادر یا با یک حجاب کامل اسلامی می‌رود روی آن سکو می‌ایستد و جایزه‌ی قهرمانی‌اش را می‌گیرد، این خیلی مهم است، این از آن پرچم که می‌رود بالا مهم‌تر است. ۱۳۹۶/۱۰/۲۱ | ارزش حجاب بر سکوی قهرمانی برتر از پرچم |
| ۱۰ | اسلام انسان را شناخته است که حکم حجاب را داده، حکم عدم اختلاط زن و مرد را داده. اسلام من و شما را شناخته؛ [انسان] مال خداست و [او] آفریننده‌ی ماست. ۱۳۹۴/۰۸/۲۰ | حجاب: نشانه‌ی شناخت اسلام از انسان (حجاب انسان‌شناسی دینی) |



در این گام تلاش شد تا نظر به بازشناختن چارچوب پژوهش، کدهای تکراری و یا تغییرپذیر حذف شوند.

گام دوم، در واکاوی، شناخت مضامین (Search for Teames) بود. این گام بعد از کدگذاری نخستین صورت گرفت. در این گام، از ماتریس مضامین (Tematic Matrix) بهره گرفته شد. بدین صورت که انتزاع مضامین از متن، تصحیح مضامین وابسته و حذف مضامین غیر وابسته و یا ناهمخوان با ماتریس مضامین انجام شد.

گام سوم تشکیل شبکه مضمون (Tematic Network) بود. هدف در شبکه مضامین این است که با منظم کردن مضامین، مضامین پایه به دست آمد و با بازیابی مضامین پایه، مضامین سازمان‌دهنده استخراج شد. در تراز بالاتر انتزاع، مضامین فراگیر ساخته شد.

تحلیل شبکه مضامین، گام چهارم است. در این گام پس از دستیابی به شبکه‌ی رضایت‌بخشی از مضامین وابسته با پدیده حجاب، تلاش شد تا در پرتو این شبکه، درک عمیق‌تری از معانی حاصل شود. پس از ایجاد شبکه مضامین، دوباره به متن اصلی مراجعه و به کمک شبکه تفسیر شد. همچنین مضامین، مورد بازبینی قرار گرفت.

یکپارچه‌سازی متن، گام پایای واکاوی داده‌ها بود. در این گام افزون بر تلخیص شبکه مضامین و بیان مختصر و صریح آن، نمونه‌های جالب داده‌ها استخراج شده و برآیند واکاوی با پرسش‌ها و هدف پژوهش وابسته شد.

۴. یافته‌های پژوهش

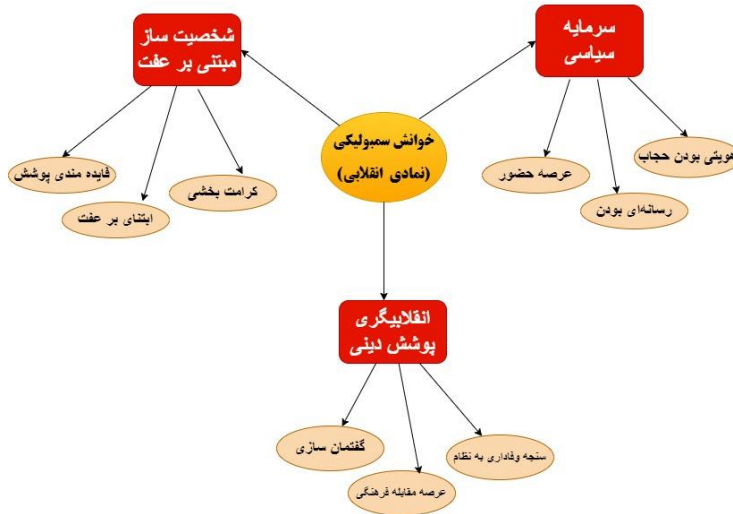
چنانچه اشاره شد، وجود تحولات جهانی در مسائل زنان و افزایش حضور زنان در فضای عمومی، برانگیختگی و چالشی میان گروه‌های رقیب و گفتمان غالب در زمینه‌ی حجاب و عفاف ایجاد کرده است.

این برانگیختگی بر قرائت‌های گوناگون از حجاب در ایران پس‌انقلاب ابتدا دارد؛ بدین معنی که در دهه‌های اخیر، حجاب در گفتمان عمومی جامعه دستخوش برداشت‌های ناهمگونی است که آن را می‌توان در ساحت نظری، برآمده از قرائت‌های گوناگون و گاه ناسازگاری با شیوه‌ی پوشش رایج (کار، ۱۳۷۹: ۱۲۸) یا حتی اصل حجاب در دوران پیامبر و تسری آن به عصر حاضر (ترکاشوند، ۱۳۸۹) از یک‌سو یا گونه‌ی نمادین آن (شفیعی سروستانی، ۱۳۸۷: ۹) و تفوق سویه‌های سیاسی حجاب (ابتکار، ۱۳۸۷: ۳۲۰) دانست.

وجود چندگونگی در قرائت‌های گوناگون از حجاب، قرائت غالب و رسمی حجاب را، دچار چالش کرده است؛ در چنین فضایی، با تحلیل سخنان مقام معظم رهبری، برجسته‌ترین مضامین وابسته با خوانش حجاب و عفاف استخراج شد که در نمودار ۱ آمده است:



تحلیل مضمون خوانش حجاب و عفاف در منظومه فکری...



نمودار ۱: شبکه مضامین «خوانش سمبولیکی (نمادی- انقلابی)»

این خوانش، مبتنی بر سه مضمون فراگیر «شخصیت ساز مبتنی بر عفت»، «سرمایه سیاسی» و «انقلابی‌گری پوشش دینی» است.

الف) شخصیت ساز مبتنی بر عفت

اولین مضمون فراگیر که افزون بر واکاوی کدهای به دست آمده، «شخصیت ساز مبتنی بر عفت» حجاب است که حاکی از جایگاه و شخصیت زن در منظومه فکری معظم له است. این مضمون از سه مضمون سازمان دهنده دیگر چون «تلازم حجاب و عفاف»، «کرامت بخشی زن» و «فایده مندی حجاب» بر ساخته شده است. در جدول شماره ۲ به مضامین بالا اشاره می‌شود:

جدول شماره ۲: مضمون فراگیر «حجاب؛ شخصیت ساز مبتنی بر عفت»

| ردیف | مضمون پایه | مضمون سازمان دهنده | مضمون فراگیر |
|------|--|--------------------|------------------------|
| ۱ | حجاب جهت سالم نگه داشتن عفاف | تلازم حجاب و عفاف | شخصیت ساز مبتنی بر عفت |
| ۲ | عفت وسیله تعالی و شخصیت زن | | |
| ۳ | عفت پایه احترام و شخصیت زن | | |
| ۴ | تأکید اسلام بر عفت زن جهت جلوگیری از ظلم به زن | | |
| ۵ | رعایت عفاف رکن اصلی دفاع از زن | | |
| ۶ | عفت برجسته ترین عنصر شخصیت زن | | |
| ۷ | برداشتن حجاب مقدمه رفع عفت و حیا | | |



| ردیف | مضمون پایه | مضمون سازمان دهنده | مضمون فراگیر | |
|------|---|--------------------|--------------|------------------------------|
| ۸ | حجاب نشانه‌ی افتخارآمیز زن ایرانی | کرامت بخشی زن | | |
| ۹ | هدف رسانه‌ی ملی تکریم زن باحجاب اسلامی | | | |
| ۱۰ | احتجاب زن یعنی تکریم زن | | | |
| ۱۱ | حجاب یعنی ایجاد حریم | | | |
| ۱۲ | حجاب مایه تشخیص و آزادی زن | | | |
| ۱۳ | برداشتن حجاب سبب کم‌ارزشی و سبکی زن | | | |
| ۱۴ | حجاب، وقار، متانت یعنی ارزش‌گذاری زن | | | |
| ۱۵ | حجاب و حیا و عفاف زنانه نشانه عظمت زن | | | |
| ۱۶ | حجاب شرط اول دستیابی به مراتب بالا | | | |
| ۱۷ | پوشش و حجاب صحیح انگیزه‌ی حفظ کرامت و مقام واقعی زن | | | |
| ۱۸ | حجاب مقدمه ارزش‌های والا | | | |
| ۱۹ | حجاب ارزش هم‌سو با طبیعت انسان | | | |
| ۲۰ | حجاب و حفاظت زنانه نماد تقوا | | | |
| ۲۱ | حجاب تحقق عزت و متانت زنانه | | | |
| ۲۲ | حجاب احساس آسایش | | | فایده‌مندی حجاب و پوشش |
| ۲۳ | حجاب امنیت زن و مرد | | | |
| ۲۴ | وجود آثار عمیق و ماندگار مراقبت از حجاب و عفت در عرصه‌های گوناگون | | | |
| ۲۵ | الزام حجاب جهت سلامت بیشتر جامعه | | | |
| ۲۶ | رعایت حجاب رعایت حدود اخلاق | | | |
| ۲۷ | اهمیت حجاب در مسئله‌ی خانواده | | | |
| ۲۸ | مراقبت بر وضع حجاب جهت حفظ اقتدار و پیشرفت کشور | | | |
| ۲۹ | مضر بودن بی‌حجابی برای بنیان خانواده | | | |
| ۳۰ | سست شدن بنیان خانواده تبعات جانکاه خودنمایی زن | | | |

رویکرد کسانی چون علامه طباطبایی، استاد مطهری مرحوم طالقانی و امام خمینی علیه السلام همچون خوانش مسلط گفتمان حجاب، حاکی از تأکید بر حفظ عفت در عرصه‌ی خصوصی و عمومی است. استاد مطهری، با یک بررسی واژه‌شناختی باور دارد که در اصل حجاب، به معنای پوششی است که از راه پشت پرده صورت گرفته باشد. کاربرد واژه‌ی حجاب درباره‌ی پوشش زن، کاربرد کمابیش جدیدی است که می‌تواند ابهام‌انگیز باشد. کسانی که از واژه‌ی حجاب، معنای پرده‌نشینی زن را درک می‌کنند، باور دارند که اسلام وظیفه‌ی پوشش زن را به معنای خانه‌نشینی و حبس شدن در خانه می‌داند، در همان

هنگام معنای راستین این است که زن در معاشرت با مردان، بدن خود را بپوشاند و به جلوه‌نمایی و خودآرایی نپردازد. به علت سربستگی واژه‌ی حجاب، قرآن به جای آن از واژه «ستر» بهره گرفته است که در دیدگاه ایشان با عفاف پیوندی نزدیک دارد (مطهری، ۱۳۸۵، ج ۱۹: ۴۳۲-۴۳۳) به تعبیری دقیق‌تر، حیا و عفاف و ستر و پوشش، تدبیری است که خود زن با گونه‌ای الهام برای گران‌بها کردن خود و حفظ جایگاه خود در برابر مرد به کار برده است (مطهری، ۱۳۸۵، ج ۱۹: ۴۲۱).

بررسی سخنان امام خمینی علیه السلام نسبت به پوشش زنان و فعالیت‌های اجتماعی آنان، نشان از مناسبت میان پوشش و حفظ عفاف از یک‌سو و حضور در عرصه‌های اجتماعی از سوی دیگر دارد (امام خمینی، ۱۳۶۸-۱۲۷۹، ج ۵: ۲۹۴). از دیدگاه ایشان، زنان با حفظ و رعایت عفت و حجاب اسلامی می‌توانند در همه‌ی عرصه‌های اجتماعی و سیاسی همدوش مردان، حضوری پویا داشته باشد (امام خمینی، ۱۳۶۸-۱۲۷۹، ج ۱۸: ۲۶۴).

ایشان بارها بر حفظ حجاب همراه با عفت و حضور زنان در جامعه پافشاری داشته، به زنان تأکید دارند: حجابی که اسلام قرار داده است، برای حفظ آن ارزش‌های شماست. هر چه را که خدا دستور فرموده است - چه برای زن و چه برای مرد - برای این است که آن ارزش‌های راستین که اینها دارند ... زنده بشود (امام خمینی، ۱۳۶۸-۱۲۷۹، ج ۱۹: ۱۸۵). مقام معظم رهبری در ادامه‌ی سیر فکری امام خمینی علیه السلام، برای تبیین جایگاه راستین زن با نهادن «عفت» در دال گفتمان اسلامی، آن را «برجسته‌ترین عنصر برای شخصیت زن» و «مایه‌ی احترام و شخصیت» (۱۳۷۶/۷/۳۰) دانسته، بر تعالی و تکریم شخصیت زن در چشم دیگران تأکید فرموده است. پیوند نظری میان، عفت، حجاب و حیا چنان وثیق است که «هر حرکتی که برای دفاع از زنان انجام می‌گیرد، باید رکن اصلی آن رعایت عفاف زن باشد» (۱۳۷۶/۷/۳۰): از همین روست که معظم له باور دارند، در گذشته «برداشتن حجاب، مقدمه‌ای برای برداشتن عفت بود؛ برای برداشتن حیا در جامعه‌ی اسلامی بود؛ برای سرگرم کردن مردم با انگیزه‌ی بسیار قوی و نیرومند جنسی بود؛ برای اینکه از همه‌ی کارهای دیگر بمانند؛ و یک مدتی هم موفق شدند؛ اما ایمان عمیق ملت ایران نگذاشت. زن‌های مسلمان ما با وجود سختگیری‌ها در درازنای زمان، در برابر این فشار سرکوب‌گر مقاومت کردند» (۱۳۸۶/۱۰/۱۹). افزون بر عفت و رعایت حیا، داشتن حریم میان زن و مرد، از دیگر مؤلفه‌های مهین در شکل‌دهی هویت و شخصیت زن مسلمان است که به‌کرات در سخنان معظم له نمود دارد. از یک‌سو، «حجاب، ارزشی منطبق با طبیعت انسان» (۱۳۷۷/۱۲/۴) است و از سوی دیگر این پرسمان ارزشی، «نشانه‌ی تکریم و حرمت» (۱۳۷۷/۱۰/۴) تمام زنانی است که در ورای حجاب قرار دارند. کرامت بخشی حجاب عقیفانه، در پرتو امر ارزشی، برخلاف آنچه در تفکر غربی وجود دارد، مایه اسارت زن نیست؛ به عبارتی «حجاب مایه‌ی تشخص و آزادی زن است؛ برخلاف تبلیغات ابلهانه و ظاهرینانه‌ی مادی‌گرایان، مایه‌ی اسارت زن نیست» (۱۳۹۱/۲/۲۳).



از دیدگاه مقام معظم رهبری، حجاب نه تنها ناقض حقوق و آزادی زن نیست؛ بلکه توانسته است از ظلم به زن جلوگیری کند (۱۳۷۶/۷/۳۰) و با تکیه بر عنصر عفت، زمینه‌ی دستیابی به حقوقش نیز فراهم شده است. افزون بر این، حجاب در کنار به ارمغان آوردن «امنیت» (۱۳۷۵/۱۲/۲۰) نقش برجسته‌ای در تحکیم یا سست شدن بنیان خانواده دارد؛ یعنی «اهمیت مسئله‌ی حجاب در جاهای باواسطه‌ای خودش را نشان می‌دهد؛ از جمله در مسئله‌ی خانواده خودش را نشان می‌دهد» (۱۳۸۶/۴/۱۳) به گونه‌ای که پاسداشت حجاب عقیفانه در رشد جامعه و راستی‌نگی‌های گذشته از جمله انقلاب و جنگ (۱۳۶۹/۱۲/۱۴) کارایی بسیاری داشته است، از همین روست که معظم له باور دارند، رای حفظ عزت و پیشرفت کشور، وضع حجاب و عفاف نیازمند مراقبت است (۱۳۹۱/۲/۲۳)؛ بنابراین در این الگوی فکری، حجاب و پوشش از دیدگاه نشانه‌شناختی نیز چون دال معنادار عفاف و حیای اسلامی احیا شد؛ بدین معنی که افزون بر توجه به بعد ایمانی و ارزشی آن، حجاب کلیتی برآمده از عفاف متکی به تقوا، توانست حضور زنان در تمام عرصه‌ها را تضمین کند و به سبکی از زندگی اسلامی و مذهب هویتی تازه ببخشد.

ب) حجاب سرمایه سیاسی

دومین مضمون فراگیر در بیانات معظم له، «حجاب سرمایه‌ی سیاسی» است که با سه مضمون سازمان‌دهنده‌ی «حجاب نماد هویت ایرانی - اسلامی»، «رسانه بودن حجاب» و «حجاب عرصه‌ی حضور» پیوستگی دارد و در جدول زیر نمایش داده شده است:

جدول شماره ۳: مضمون فراگیر «حجاب سرمایه نمادین سیاسی - دینی»

| مضمون فراگیر | مضمون سازمان‌دهنده | مضمون پایه | ردیف |
|--------------|--------------------------------|--|------|
| سرمایه سیاسی | حجاب نماد هویت ایرانی - اسلامی | حجاب هویت مستقل فرهنگی زن ایرانی | ۱ |
| | | حجاب هویت و استحکام عنصر یک ملت | ۲ |
| | | حجاب نشانه‌ی روحیه‌ی قوی ایران مسلمان | ۳ |
| | | چادر، حجاب ایرانی اسلامی | ۴ |
| | | حفظ حریم عفاف و حجاب میراث هزارساله ایرانی | ۵ |
| | | چادر لباس و نشان ملی ایران | ۶ |
| | | حجاب رسم ایرانی | ۷ |
| | | انتخابی بودن چادر ایرانی | ۸ |
| | | هویت اسلامی یعنی حفظ خصوصیات زنانه با حضور در عرصه | ۹ |
| | | تقلید کشورها از حجاب ایرانی | ۱۰ |



تحلیل مضمون خوانش حجاب و عفاف در منظومه فکری...

| ردیف | مضمون پایه | مضمون سازمان دهنده | مضمون فراگیر |
|------|--|--------------------|--------------|
| ۱۱ | ارزش حجاب بر سکوی قهرمانی برتر از پرچم یک کشور | رسانه بودن حجاب | |
| ۱۲ | قرار گرفتن با حجاب بر سکوی قهرمانی نشانه‌ی مقاوم بودن در برابر هجمه‌های فرهنگی | | |
| ۱۳ | حجاب در میدان‌ها ورزشی نمایش شخصیت و هویت زن مسلمان | | |
| ۱۴ | حضور زنان در میدان‌ها ورزشی یعنی تبلیغ خود | | |
| ۱۵ | تجلیل و تکریم از زنان محجبه بر سکوی قهرمانی در کشورهای ناهمسو باحجاب | | |
| ۱۶ | ارسال پیام به دنیا با حضور محجبه خود بر سکوی قهرمانی | | |
| ۱۷ | ارزشی بودن حجاب؛ بالاترین مدال بر گردن زن مسلمان | | |
| ۱۸ | حفظ حجاب و حفاظ در بیرون از خانه عامل الگوسازی اسلامی | | |
| ۱۹ | نشان دادن زن به جهانیان باحجاب اسلامی | | |
| ۲۰ | حجاب؛ پیام عملی زن مسلمان به دنیا | | |
| ۲۱ | زن مسلمان یعنی نشان دادن شخصیت‌های برجسته با حفظ دین و حجاب در عرصه‌های گوناگون | | |
| ۲۲ | حضور زنان در دوران انقلاب با چادر و حجاب | | |
| ۲۳ | عدم مخالفت حجاب با کنشگری‌های اجتماعی | | |
| ۲۴ | حجاب لباس مشارکت | | |
| ۲۵ | افتخار به حضور زنان باحجاب اسلامی در عرصه‌های گوناگون رشد عظیم نخبگان زن با رعایت حجاب و حدود شرعی | | |
| ۲۶ | وجود نخبگان در نظام زیر درفش پوشش حجاب | | |
| ۲۷ | مرکزیت زنان در فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی به برکت امام | | |
| ۲۸ | افتخار به حضور زنان در رشته‌های گوناگون علمی با رعایت حجاب و عفاف | | |

از قدیم، توجه و ارزش دادن به گونه‌ی پوشش و لباس، به مانند یک نماد، برای سنن ملی و دینی وجود داشته است. شاید در مراحل نخست، پوشش و لباس افراد، یک ضرورت زیستی یا دینی بوده؛ اما در گذر زمان سویه نمادین یافته است. حجاب نیز همچون نماد و ضرورت فرهنگی - اجتماعی جوامع مسلمان، در قرن کنونی مورد توجه دولت‌های مسلمان و جوامع استعمارگر بوده است. لیلا احمد باور دارد که داشتن حجاب، سمبل مهمی برای زنان حتی در تاریخ باستان است؛ یعنی همچون نمادی برای زنانی است که زیر حملات مردان بودند. به عبارت دیگر، حجاب یک جایگاه طبقاتی برای زنانی بود که ازدواج می‌کردند؛ یعنی حجاب همچون تصویری است که هدف از آن، متمایز کردن طبقات بالاتر و ناهمتا ساختن آنها بین زنان قابل احترام و دیگران است (Ahmad, 1992: 14-15).

مقام معظم رهبری در بسیاری از موارد، هنگامی که چادر و پوشش زن ایرانی اشاره دارد، آن را نماد

هویت ایرانی، ملی و میراث هزارساله تمدن دانسته‌اند. «چادر یک حجاب ایرانی است و زن ایرانی این را انتخاب کرده و خوب حجابی هم هست و می‌تواند سراسر حفاظ و حجاب داشته باشد» (۱۳۷۷/۱۲/۴). این سخنان در برابر این تصور که شاید حجاب به شکل امروزی برگرفته از اعراب یا تنها رهاورد دین اسلام باشد را رد می‌کند، چنانچه معظم له بارها به فراخور نیاز بر این امر تأکید دارند که «چادر، لباس ملی ماست. چادر، پیش از آنکه یک حجاب اسلامی باشد، یک حجاب ایرانی است. مال مردم ما و لباس ملی ماست» (۱۳۷۳/۷/۲۰). امروزه همین پوشش ملی و یا حجاب ایرانی به مانند «نقطه حساس» و «هویت مستقل فرهنگی زن مسلمان» (۱۳۹۶/۱۲/۱۷)، «هویت یک ملت و استحکام عنصر و فلز یک ملت»، (۱۳۹۴/۱۰/۲۱) در رده‌ی جهانی چنان بروز و نمودی یافته که توانسته است، افزون بر کارایی در خارج از مرزها، نشانه‌ای سترگ از تحقق اسلام انقلابی و راستین نیز باشد: «من در سفری به منطقه‌ی مسلمان‌نشین شمال آفریقا، در کشوری دیدم که دختران و زنان، حجاب خودشان را به تقلید از حجاب زنان ایرانی درست کرده بودند... این حرکت ملت ایران و این نشانه‌ی عظیم تحقق اسلام انقلابی و ناب و راستین، آثار خودش را در دل مردم گذاشته است» (۱۳۸۰/۲/۱۶).

نگاه فرا فرهنگی معظم له، به حجاب زن ایرانی، از این‌روست که به تعبیر این اسلام‌شناس «مفهوم حجاب به هویت فردی محدود نمی‌شود، این مفهوم به نماد امت یا جامعه‌ای اسلامی نیز تبدیل شده است. تلاش یک زن مسلمان مهاجر، برای شناساندن خود همچون یک مسلمان، با بهره‌گیری از روسری، پذیرش حمایت کلی از نگرش‌ها، ارزش‌ها و باورهای اسلامی و فرهنگ اوست که وی را به جامعه‌ی بزرگ‌تر مؤمنان پیوند می‌دهد» (Daly, 1999: 149) به گفته‌ای نگاه نمادگونه به حجاب و اینکه حجاب به نمادی قدرتمند و فراگیر از هویت زنان مسلمان تبدیل شده، برآمده از این است که زنان مسلمان دیگر مایل نیستند با غربی‌ها یکسان‌نگریسته شوند، آنان درصدد به دست آوردن و تأیید دوباره‌ی هویت خود همچون یک مسلمان هستند. انتخاب پوشش حجاب، تنها یک پرسمان سنتی و دینی نیست؛ بلکه آنان خود حجاب را همچون نشانه‌ی هویت اسلامی‌شان با رغبت می‌پذیرند.

توجه معظم له به نقش هویتی حجاب و تقلید دیگر کشورها از شیوه‌ی پوشش زن ایرانی، خود بیان‌گر مضمون سازماندهی دیگر و قدرت رسانه بودن حجاب زن ایرانی است؛ به عبارتی ایشان در سخنانشان به حجاب به مانند رسانه‌ی ارتباطی، رویکرد ویژه‌ای نشان می‌دهند. رسانه شیوه ویژه انتقال پیام است که دربردارنده‌ی نظامی از نمادها یا مرزهاست (هارجی و دیگران، ۱۳۷۷: ۲۲). منظور از ارتباط، مکانیسمی است که پیوندهای انسانی بر اساس و به دست آن ایجاد می‌شود که دربردارنده حالات چهره، رفتارها، حرکات، طنین صدا، کلمات و... است (محسنیان‌راد، ۱۳۸۰: ۴۸). با توجه به اینکه انسان‌ها ناگزیر از برقراری پیوند و ایجاد تعامل با یکدیگرند، بهره‌گیری از حرکات، یکی از جنبه‌های بارز تعامل است. منظور از حرکات «ژست‌ها و حرکات اندام‌های بدن، تکان دادن سر،



حالت چهره، نگاه‌ها و وضعیت بدن» است که با این حرکات «به انتقال اطلاعات، نگرش‌ها، حالات عاطفی یا خلیات و جایگاه افراد» (محسنیان‌راد، ۱۳۸۰: ۷۱) پرداخته می‌شود؛ بنابراین امروزه، بدن نماد جامعه است و بدن انسانی در مقیاسی کوچک قدرت‌ها و خطراتی را که به ساختار اجتماعی نسبت داده می‌شود، بازتولید می‌کند (لوپروتون، ۱۳۹۵: ۱۳) با این توصیف، حجاب افزون بر انتقال‌دهنده بودن پیامی ویژه به دیگران، نمادین نیز هست؛ یعنی گونه‌ی ویژه از معنی را به سایرین انتقال می‌دهد.

نظر به اهمیت بدن به مانند رسانه‌ی ارتباطی نمادین، امروزه جایگاه گونه‌ی پوشش در عملکرد سیاسی و بین‌المللی در به نمایش گذاشتن هویت و نماد یک جامعه نقش بسزایی دارد. با چشم‌پوشی از این امر، کاوش در سخنان رهبری نشان‌دهنده‌ی این است که حجاب مانند یک رسانه‌ی ارتباطی، انتقال‌دهنده‌ی پیام به جهان است: «من می‌خواهم بگویم که شما خانم‌ها برای دنیا پیامی دارید. این پیام را دقیق و مسجل کنید و به دنیا بدهید. پیام هم تنها پیام زبانی و شفاهی و کتبی نیست؛ بلکه بیشتر عملی است» (۱۳۶۸/۱۰/۲۶). پیام عملی که ایشان بر آن تأکید دارند این است که امروزه زنان در مرکز کنشگری‌های سیاسی قرار دارند و پرچم انقلاب را به دست گرفته‌اند؛ از این رو با داشتن حجاب و وقار و متانت اسلامی توانسته است، نماد گسترش اسلام در جهان به معنای عام و وسیله صدور انقلاب اسلامی در معنای خاص باشد. از همین روست که داشتن حجاب اسلامی در داخل و خارج از کشور، نماد انقلابی بودن و پایبندی به آرمان‌های انقلاب شمرده شده و «تمام غرب و مطبوعات آنها و این نویسندگان قلم به مزد و عامل سرمایه‌داران و صهیونیست‌های بزرگ جهانی، دست‌به‌دست هم داده‌اند تا جمهوری اسلامی را هو کنند. مسئله‌ی حجاب را مورد تهاجم تبلیغاتی قرار دادند تا شاید ما را از میدان خارج کنند» (۱۳۶۸/۱۰/۲۶).

نمادین بودن حجاب برای صدور انقلاب و تفکر اسلامی زمانی بیشتر جلوه می‌کند که بیانات معظم له، در برخورد با بانوان ورزشکار دیده شود. ایشان باور دارند زمانی که یک بانوی ایرانی باحجاب کامل اسلامی بر سکوی قهرمانی قرار می‌گیرد، ارزش این حرکت (حاضر شدن بر سکوی قهرمانی باحجاب اسلامی) از بالا رفتن پرچم نیز باارزش‌تر است. باید توجه داشت که پرچم، نماد هویت و رساننده ماهیت یک کشور است، با این نگاه، حجاب اسلامی نماد هویتی مهم‌تر و ارزشمندتری است که «هویت یک ملت و استحکام عنصر و فلز یک ملت را که فلز محکم و مقاومی دارد، از آن فهمیده می‌شود» (۱۳۹۴/۱۰/۲۱) ایشان همچنین در دیدار با یکی از قهرمانان زن، بیان داشتند که «شما با نمایش شخصیت و هویت زن مسلمان ایرانی نشان دادید که در میدان‌ها ورزشی یک زن مسلمان می‌تواند با حفظ حجاب و حدود دینی، حضوری مقتدر و عزت‌آفرین داشته باشد» (۱۳۹۲/۸/۲۰). توجه به نقش رسانه‌ای و قدرت انتقال‌دهندگی ارزشی حجاب، تنها از سکوی قهرمانی یک زن مسلمان نیست؛ بلکه «حجاب عرضه حضور» است که با «مرکزیت زنان در

فعالیت‌های سیاسی باحجاب به برکت امام» (۱۳۶۸/۱۰/۲۶) آغاز شد و در دوران پس از انقلاب «حضور زنان در فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی با حفظ وقار و متانت و حجاب» (۱۳۶۸/۱۰/۲۶) سبب الگوگیری زنان جهان گردید؛ از همین رو معظم له می‌فرمایند: «زن مسلمان زنی است که هم دین خود را، حجاب خود را، زنانگی خود را، ظرافت‌ها و رقت‌ها و لطافت‌های خود را حفظ می‌کند؛ هم از حق خود دفاع می‌کند؛ هم در میدان معنویت و علم و تحقیق و تقرب به خدا پیشروی می‌کند و شخصیت‌های برجسته‌ای را نشان می‌دهد و هم در میدان سیاسی حضور دارد، این می‌شود الگویی برای زنان» (۱۳۷۹/۶/۳۰)؛ بنابراین می‌توان گفت، باوجود پیوند وثیق میان هویتی بودن حجاب از یک‌سو و توجه به رویکرد ارزشی و دینی به حجاب از سوی دیگر، حجاب زن ایرانی در عرصه‌ی بین‌المللی چنان نمود یافته که از بین رفتن حجاب به معنای مخدوش شدن شخصیت اسلامی و انقلابی زن مسلمان و به تبع آن از دست رفتن انقلابی است که پیروزی‌اش با چادر زن ایرانی قرین بوده است. این پیوند زمانی بیشتر خود را نشان می‌دهد که دانسته شود، امروزه مبارزه باحجاب زنان مسلمان به ویژه جامعه ایرانی، همچون مبارزه با اسلام تلقی می‌شود. این تلقی حجاب را از فروع دین فراتر برده، به جستاری چالش برانگیز در صدر پرسمان‌های جامعه ایران تبدیل کرده است.

ج) انقلابی‌گری پوشش دینی

سومین مضمون فراگیر که دربردارنده سه مضمون «حجاب سنجه وفاداری به انقلاب و نظام»، «حجاب؛ عرصه مقابله فرهنگی» و «گفتمان سازی حجاب» است، در «انقلابی‌گری پوشش دینی» بر ساخته شده که در جدول شماره ۴ آمده است:

جدول شماره ۴: مضمون فراگیر «انقلابی‌گری پوشش دینی»

| ردیف | مضمون پایه | مضمون سازمان‌دهنده | مضمون فراگیر |
|------|---|------------------------|-----------------------|
| ۱ | حضور زنان باحجاب در میدان‌ها مرزشی نشانه‌ی پابندی به ارزش‌ها | سنجه | انقلابی‌گری پوشش دینی |
| ۲ | پیام عزم و اراده، ایستادگی و ایمان با حضور زنان محجبه در میدان‌ها ورزشی | وفاداری به | |
| ۳ | حجاب بر سکوی جهانی یعنی وابستگی به‌نظام اسلامی | انقلاب و | |
| ۴ | قرار گرفتن باحجاب بر سکوی قهرمانی نشانه‌ی معرفی ملت خود به جهان | نظام | |
| ۵ | حساسیت غرب بر مسئله‌ی حجاب: نقطه دعوا | عرصه‌ی مقابله‌ی فرهنگی | |
| ۶ | تهاجم فرهنگی غرب علیه حجاب، وسیله خارج کردن جمهوری اسلامی از میدان | | |
| ۷ | استهزای رسانه‌های غربی نسبت به حجاب برای مقابله با آن | | |
| ۸ | اعتراض به جمهوری اسلامی به خاطر حجاب | | |
| ۹ | حجاب انگیزه‌ی اصلی مخالفت با جمهوری اسلامی | | |
| ۱۰ | دشمنی غرب باحجاب زن مسلمان | | |
| ۱۱ | بیان «حجاب اجباری»: نقشه دشمن | | |



| ردیف | مضمون پایه | مضمون سازمان‌دهنده | مضمون فراگیر |
|------|--|--------------------|--------------|
| ۱۲ | هزینه کردن غرب برای نابودی حجاب به اسم آزادی | | |
| ۱۳ | اصلاحات آمریکایی یعنی از بین بردن حجاب | | |
| ۱۴ | مخالفت غرب باحجاب: سیاست راهبردی اساسی غرب برای هرزه شدن زن | | |
| ۱۵ | کشف حجاب راه رویارویی با ادیان | | |
| ۱۶ | تهاجم فرهنگی غرب به حجاب حداقلی زن مسلمان | | |
| ۱۷ | موضع جمهوری اسلامی درباره‌ی حجاب: موضع تهاجم و طلبکارانه نسبت به غرب | | |
| ۱۸ | مسئولیت جمهوری اسلامی: بیان صریح درباره‌ی حجاب | | |
| ۱۹ | تدبیر در مقابل شبهه افکنی درباره حجاب | | |
| ۲۰ | گفتمان اسلامی درباره حجاب: روحیه طلبکارانه | | |
| ۲۱ | پذیرش وجود حریم میان زن و مرد: اصول تفکر اسلامی | | |
| ۲۲ | پافشاری جمهوری اسلامی بر وجود حجاب در روابط میان زن و مرد | | |
| ۲۳ | جلوگیری از نفوذ تبلیغات غرب در بحث حجاب | | |

نظر به قدرت رسانه‌ای بودن حجاب و نقش هویتی که در شخصیت زن مسلمان و قرار گرفتن به‌عنوان الگوی جهانی دارد، مقام معظم رهبری به فراخور مباحث حجاب، مضامینی را بیان می‌کند که تحت «حجاب سنج و وفاداری به انقلاب و نظام» بر ساخته شده است. اینکه امروزه حجاب در عرصه‌ی جهانی همچون یک کنش نمادین انقلابی نمود یافته است، در این عبارت به‌خوبی هویدا است که «شما با اقدام خود، وابستگی به نظام اسلامی را از یک سکوی جهانی اعلام کردید» (بیانات در دیدار بانوی کرمانشاهی قهرمان ووشو با رهبر انقلاب، ۱۳۹۲/۸/۲۰).

در این کنش، زن ایرانی باحجاب خود در میدان‌ها گوناگون جهانی، به راستی «ملت خود را معرفی می‌کند» و «نشان می‌دهد که در برابر هجمه‌های گوناگون ضد فرهنگ و دین، مقاوم است» (۱۳۹۳/۱۱/۱۰) و «نشان می‌دهد که به این ارزش پایبند است و این صحنه در همه دنیا منعکس می‌شود؛ او به راستی با این کار، همه‌ی آن تبلیغات را خنثی می‌کند» (۱۳۸۳/۷/۱۴). زمانی ارزش این امر روشن می‌شود که دانسته شود، در منظومه‌ی فکری معظم له، «حجاب عرصه‌ی مقابله» انقلاب اسلامی با غرب است؛ بدین صورت که «حجاب اگر در جمهوری اسلامی باشد، آن را زشت می‌شمارند. اگر در دانشگاه‌های کشورهای عربی باشد که دختران جوان دانشجوی، با معرفت و آگاهی و با میل و اختیار خود به حجاب روی آورده‌اند، حساسیت نشان می‌دهند. اگر در بین احزاب سیاسی باشد، حساسیت نشان می‌دهند. اگر در مدارس و حتی دبستان‌های کشورهای خودشان هم باشد - با اینکه زیر دست خودشان است - حساسیت نشان می‌دهند. پس نقطه دعوا در اینجاست» (۱۳۷۳/۷/۲۰). از همین رو با نیرنگ «حجاب اجباری در ایران» (۱۲۹۶/۱۲/۱۷) به رویارویی و اعتراض با جمهوری اسلامی می‌پردازند؛ به بیانی دیگر «حجاب انگیزه‌ی بنیادین مخالفت با جمهوری

اسلامی» (۱۳۶۹/۱/۱۰) است و تلاش دارند تا «جمهوری اسلامی را هو کنند. مسئله‌ی حجاب را مورد تهاجم تبلیغاتی قرار دادند تا شاید ما را از میدان خارج کنند» (۱۳۶۸/۱۰/۲۶). در چنین شرایطی، سیاست راهبردی مقام معظم رهبری در برابر غرب این است که باید به «گفتمان سازی» در این زمینه پرداخت؛ بدین معنی که جمهوری اسلامی «مواضع خود را صریح» (۱۳۹۰/۳/۱) در زمینه‌ی حجاب بیان کند و به تعبیر دقیق‌تر «گفتمان اسلامی در مورد زن را بایست با روحیه تهاجم، طلبکارانه مطرح کرد» (۱۳۹۲/۲/۲۱)؛ یعنی به جای قرار گرفتن در موضع پاسخگو، ما مطالبه‌گر باشیم؛ زیرا «این جور نبود که زن با برداشتن حجاب در میدان علم یا در میدان سیاست یا در میدان فعالیت‌های اجتماعی پیشرفت کند؛ همه اینها با حفظ حجاب و عفت ممکن بود و ما در نظام اسلامی این را تجربه کردیم» (۱۳۸۶/۱۰/۱۹). وجود چنین تجربه‌ی درخشانی، سبب شد تا حجاب به سبک زنان ایرانی در فرانسه و برخی کشورهای دیگر گسترش پیدا کند و این نشانه پیشرفت است (۱۳۶۸/۱۰/۲۶).

دستاورد برجسته‌تر اینکه گسترش و روی‌آوری زنان به حجاب در کشورهای لائیک، چون آتش زیر خاکستر است و از حوادث عظیمی در پشت پرده خبر می‌دهد (۱۳۶۸/۱۰/۲۶). بیان این نگاه در خوانش معظم له از حجاب، نشان‌دهنده این است که بصری شدن نمادهای منزلت و هویت در عرصه جهانی، سبب شده تا در سال‌های پس از انقلاب اسلامی، در زمره نخستین سنجه‌ها و معیارهای ارزیابی میزان ارتقای فرهنگ دینی، مسئله‌ی حجاب قرار گیرد؛ این امر حاکی از یک هوشمندی کامل در عطف توجه به جنبه نمادین حجاب در عین ایمانی و دینی بودن آن بوده که مورد اهتمام قرار گرفته است.

نتیجه‌گیری

یافته‌های تحلیلی ترسیم‌کننده خوانش سمبولیکی (نمادی انقلابی) از حجاب و عفاف است که در قالب مضامین فراگیر وابسته با مقوله حجاب به دست آمده است. با توجه به اینکه انقلاب اسلامی با تکیه بر جهان‌بینی اسلامی تکوین یافته، می‌تواند تحقق‌بخش ظرفیت جهان‌بینی اسلامی باشد. امام خامنه‌ای با آگاهی از وجود چنین ظرفیتی و با تکیه بر مبانی اسلامی انقلاب، با انقلابی‌گری پوشش و حجاب، زن تراز جمهوری اسلامی را بازخوانی نموده است. همچنین این خوانش، نشان می‌دهد که حجاب و پوشش زنان در پیوستار خود، ادامه‌تطور معنایی حجاب در گفتمان اسلامی است که با وجود گفتمان‌های رقیب، توانسته افزون بر تأکید بر حفظ عفت و حجاب زنان در عرصه‌های اجتماعی، معناداری پوشش و سویه‌های نمادین آن را چون نماد مقاومت و مبارزه‌ی سیاسی اجتماعی زنان ایرانی بازنمایی کند؛ بدین معنی که در این نگاه، افزون بر توجه هویتی به حجاب و پوشش، گونه‌ای ارزش نمادین نیز برای حجاب و پوشش در عرصه‌ی ملی و بین‌المللی وجود دارد. نکته قابل تأمل اینکه، وجود



پیوند میان انقلابی‌گری و پوشش و انعکاس رسانه‌ای آن، سیاست‌های تبلیغی و هجمه‌ی رسانه‌ای در ضدیت با انقلاب اسلامی را دوچندان ساخته؛ ازاین‌رو، در آینده ممکن است حفظ نظام و آرمان‌های انقلاب، با حفظ حجاب و پوشش، در نوعی رویارویی قرار گیرد، در چنین شرایطی، تبیین و گسترش خوانش صحیح می‌تواند ظرفیت‌های انسان‌سازی بانوان جامعه را در راستای تحقق آرمان‌های انقلاب قرار داده، نهادینه کردن ارزش‌هایی چون حجاب و پوشش عقیفانه را در پی داشته باشد؛ به همان سان، تداوم و پیشرفت انقلاب اسلامی را نیز تضمین نماید.



منابع

۱. امام خمینی، روح‌الله (۱۲۷۹-۱۳۶۸) صحیفه نور، تهران: مؤسسه‌ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۲. ابتکار، معصومه (۱۳۸۷) مصاحبه با معصومه ابتکار: حجاب، مسئولیت‌ها و اختیارات دولت اسلامی (نظرات و دیدگاه‌ها)، ویراسته شفیع سروستانی، ج ۲، تهران: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۳. ابن منظور، محمد، (۱۴۰۵) لسان العرب، چاپ دوم، قم: نشر ادب حوزه.
۴. ابن فارس، احمد بن فارس بن زکریا، (۱۳۹۹) معجم مقاییس اللغه، ج ۶، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
۵. ایمان، محمدتقی، (۱۳۹۴) روش‌شناسی تحقیقات کیفی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۶. ترکاشوند، امیرحسین (۱۳۸۹) حجاب شرعی در عصر پیامبر، تهران: چاپ‌نشده.
۷. روشن‌ضمیر، الی لستر (۱۳۸۵) بازنمایی ایران و حجاب زنان ایرانی در رسانه‌های آمریکا، ترجمه‌ی سبحان رضایی، رسانه، سال هفدهم، شماره‌ی ۴.
۸. راغب اصفهانی (۱۴۱۲) مفردات الفاظ القرآن، چاپ اول، لبنان، بیروت: دارالعلم.
۹. حداد عادل، غلامعلی، (۱۳۷۲) فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی، چاپ پنجم، تهران: سروش.
۱۰. حق‌شناس، جعفر (۱۳۸۷) نظام اسلامی و مسئله‌ی حجاب (مجموعه مقالات و گفتگوها)، قم: مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه‌ی خواهران، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان.
۱۱. جعفریان، رسول، (۱۳۸۰) «مسئله‌ی حجاب و تأثیر اندیشه‌های قاسم امین مصری در ایران»، آینه پژوهش، شماره ۷۰، مهر و آبان.
۱۲. جعفریان، رسول، (۱۳۸۳) داستان حجاب در ایران پیش از انقلاب، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۱۳. جوهری، اسماعیل بن حماد، (۱۹۸۷) الصحاح، ج ۱، بیروت: دارالعلم للملایین.
۱۴. خنیفر، حسین، مسلمی، ناهید، (۱۳۹۶) اصول و مبانی روش‌های پژوهش کیفی، ج ۱، تهران: انتشارات نگاه دانش.
۱۵. کار، مهرانگیز (۱۳۷۹) پژوهشی درباره خشونت علیه زنان در ایران، چاپ اول، تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.
۱۶. لو بروتون، داوید، (۱۳۹۲) جامعه‌شناسی بدن، ترجمه‌ی ناصر شکوهی، تهران: نشر ثالث.
۱۷. صدر، شادی، (۱۳۸۹) مجموعه قوانین و مقررات پوشش در جمهوری اسلامی ایران، تهران: ورجاوند.
۱۸. مطهری، مرتضی (۱۳۸۵) مجموعه آثار، ج ۱۹، تهران: انتشارات صدرا.
۱۹. _____ (۱۳۷۳) تعلیم و تربیت در اسلام، تهران: انتشارات صدرا.
۲۰. معین، محمد، (۱۳۷۱) فرهنگ فارسی، ج ۱، تهران: امیرکبیر.
۲۱. محمدپور، احمد، (۱۳۹۲) روش تحقیق کیفی ضد روش، جلد ۲، چاپ دوم، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
۲۲. محسنیان‌راد، مهدی، (۱۳۸۰) ارتباط‌شناسی، چاپ چهارم، تهران: انتشارات سروش.
۲۳. هارجی، اون، کریستین ساندرز و دیوید دیکسون (۱۳۷۷) مهارت‌های اجتماعی در ارتباطات میان فردی، مترجمان خشایار بیگی، مهرداد فیروز بخت، تهران: انتشارات رشد.



۲۴. واتسون، هلن (۱۳۸۲) «زنان و حجاب» ترجمه مرتضی بحرانی، مطالعات راهبردی زنان، شماره ۲۰، ص ۳۰۹-۳۳۰.
25. Ahmed, Leila, (1992) women and gender in Islam: Historical roots of a Modern debate, *new haven*: yale university press.
26. Mir-hossini, Ziba, (2011) Hijab and choice: Bitween politics and Theology (Innovation in Islam), Edited By Mehran Kamrava. university of California press.
27. Ruby.f.tabassum, (2006) Listening to the voice of Hijab, womens studies In ternahional forum 29, pp54-66.
28. www. Khamenei.ir